

بروزترین و برترین
سایت کنکوری کشور

WWW.KONKUR.INFO

Konkur
.info

<https://konkur.info>

به نام خدا

درس دوازدهم (رستم و اشکبوس)

* برفتند از آن جای، شیران نر (استعاره از پهلوانان) عقاب دلاور بر آورده پَر (شیوه بلاغی)

۲ ۳ ۱ ۱ ۲ ۳

* نماند ایچ با روی خورشید، رنگ: خورشید، رنگ بر چهره‌اش نمانده بود (کنایه از ترسیدن)

* همی بر خورشید بر سان کوس: مانند طبل جنگی، فریاد می‌زد.

* همی گردِ رزم، اندر آمد به ابر: گردوغبار میدان جنگ، تا ابر بالا می‌رفت و به آسمان می‌رسید.

* زمین آهنین شد، سپهر آبنوس: زمین مانند آهن (سفت و محکم) شد و آسمان مانند آبنوس (درختی تیره‌رنگ).

* مرا مادرم نام، مرگ تو کرد: مادرم، نام مرا مرگ تو (اشکبوس) گذاشته است. (کنایه از کُشنده حریف)

* به شهر تو شیر و نهنگ و پلنگ سوار اندر آیند هر سه به جنگ؟ رستم، غیرمستقیم خودش را مانند شیر و نهنگ و پلنگ معرفی می‌کند که سواره نمی‌جنگند.

* پیاده، به از چون تو پانصد سوار: یک پیاده از پانصد سوارکاری که مانند تو باشند، بهتر است.

* نبینم همی جز فسوس و مزیح (این واژه «ممال» است یعنی «الف» در «مزاح»، به «ی»، میل و تمایل نشان داده است)

* به رستم بر، آنکه ببارید تیر: در قدیم برای یک متمم از دو حرف اضافه استفاده می‌شده است.

*یکی تیر الماس پیکان^۱ چو آب نهاده بر او^۲ چارپَر عقاب^۳

۱- تیری که نوک آن مانند الماس تیز و بُرنده باشد، ۲- = آن (تشخیص ندارد)، ۳- برای اینکه تیر در مسیر مستقیم حرکت کند، چهار پر عقاب به آن می‌بسته‌اند.

* به شست^۱ اندر آورده تیر خدنگ^۲

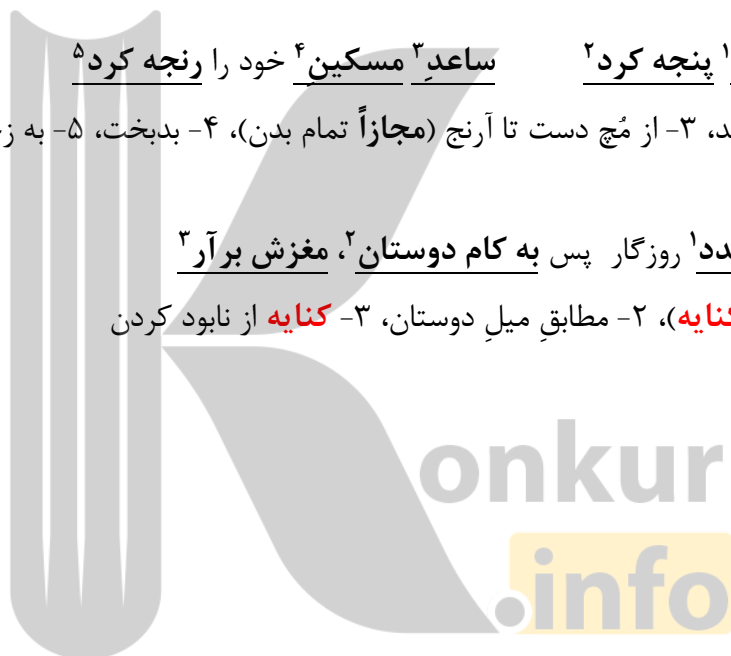
۱- وسیله‌ای فلزی که روی انگشت شست قرار می‌گرفته، ۲- درختی با چوب محکم و مقاوم
* با دندان آن به که کم‌گیری ستیز: بهتر است با حیوانات وحشی (فرومایگان) کمتر درگیر شوی (نباید با آنها بجنگی)

* هر که با پولاد بازو^۱ پنجه کرد^۲ ساعد^۳ مسکین^۴ خود را رنجه کرد^۵

۱- قدرتمند، ۲- جنگید، ۳- از مَج دست تا آرنج (مجازاً تمام بدن)، ۴- بدبخت، ۵- به زحمت انداخت

* باش تا دستش ببندد^۱ روزگار پس به کام دوستان^۲، مغزش بر آرد^۳

۱- او را ناتوان سازد (کنایه)، ۲- مطابق میلِ دوستان، ۳- **کنایه** از نابود کردن



بروزترین و برترین
سایت کنکوری کشور

WWW.KONKUR.INFO

Konkur
.info

<https://konkur.info>